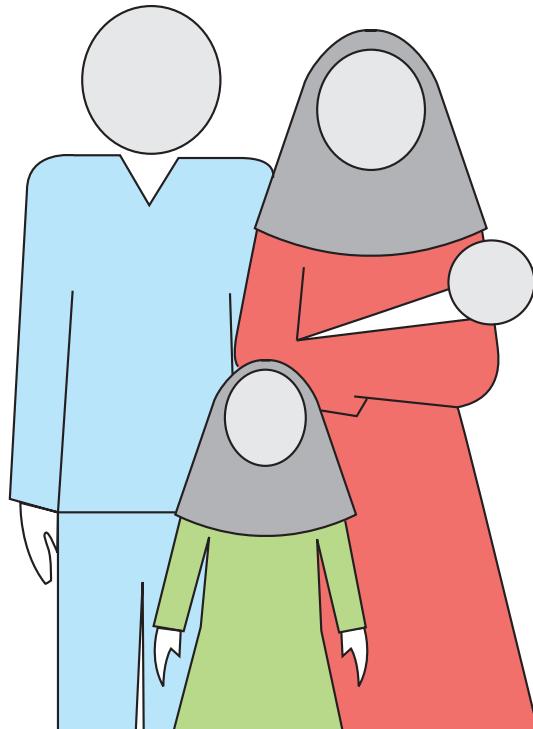


فصل سوم

نظام خانواده

انتظار می‌رود داشنآموز در پایان این فصل بتواند :

- ۱- مفهوم خانواده را با توجه به ویژگی‌های بارز آن شرح دهد.
- ۲- ضرورت و اهمیت تشکیل خانواده را توضیح دهد.
- ۳- آثار و نتایج خانواده را بر نظام اجتماعی کل با یکدیگر مقایسه کند.
- ۴- نقش خانواده را در زندگی فرد تجزیه و تحلیل کند.
- ۵- مسائل اساسی خانواده را تشریح کند.



خانواده، یک نظام اجتماعی

شما در گروه‌های مختلفی چون گروه‌های ورزشی، مذهبی، سیاسی، هنری، سنی و ... عضویت دارید.

خانواده نیز یک گروه اجتماعی است. آیا می‌دانید چرا؟ گروه‌های گوناگون در بعضی چیزها شبیه به یکدیگرند و در بعضی چیزها نیز با هم تفاوت دارند. از جمله ملاک‌هایی که این گروه‌ها را از هم متمایز می‌سازد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

– بزرگ یا کوچک بودن

– میزان دوام و پایداری

– میزان نظم گروهی

– نحوه عضویت و ورود به گروه

– چگونگی روابط اعضاء با یکدیگر (میزان صمیمیت)

– ارزش‌ها و هنجارهای گروه

– و ...

فعالیت ۱-۳ با توجه به ملاک‌های ذکر شده، درباره‌ی تفاوت‌های گروه خانواده با گروه‌های ورزشی، مذهبی، سیاسی و هنری که ممکن است شما عضو آن‌ها باشید، در کلاس بحث و گفت‌وگو کنید.

با انجام دادن، فعالیت ۱-۳ در می‌باید که گروه خانواده با گروه‌های دیگر تفاوت‌های اساسی دارد؛ مثلاً :

– اگر حتی به گذشته‌های دور برگردیم و از نخستین گروه‌هایی که انسان‌ها تشکیل داده‌اند، سراغ بگیریم، زنان و مردانی را خواهیم یافت که در قالب یک خانواده با هم زندگی می‌کنند؛ بنابراین، سابقه‌ی تشکیل خانواده بسیار بیشتر از گروه‌های دیگر است.



– گروه‌های دیگر چه بسا پس از مدتی از هم بپاشند و از بین بروند، اما زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند، اغلب تا پایان عمر با هم خواهند بود.
– افراد اغلب برای اراضی یکی از تمایلات خود به عضویت گروه‌های دیگر در می‌آیند؛ برای مثال، برای انجام دادن فعالیت‌های سیاسی در انجمان‌های سیاسی عضو می‌شوند یا برای گذران اوقات فراغت و انجام دادن فعالیت‌های دسته جمعی عضویت گروه‌های سنی را می‌پذیرند اما در خانواده، زن و مرد در موارد زیادی با یکدیگر مشارکت دارند؛ به همین جهت، رابطه‌ی افراد در خانواده عمیق‌تر و گستern آن دشوارتر است.

ویژگی‌های خانواده و اثرگذاری‌های آن بر فرد و جامعه – که در درس‌های آینده بررسی خواهند شد – موجب شده است تا نقش‌ها و الگوهای عمل این گروه (خانواده) بیش از هر گروه دیگری پایرجا و پایدار باقی بماند؛ تا آن جا که افراد پیش از آن که خانواده را یک گروه بدانند، به آن به منزله‌ی یک نظام اجتماعی توجه می‌کنند و در طول زندگی در بی آن هستند که چگونگی عمل کردن در نقش‌های مختلف آن را بیاموزند؛ مثلاً :

– کودکان در بازی‌های خود نقش‌های پدر، مادر، فرزند، زن و شوهر را بارها و بارها بازی می‌کنند؛

– جوان‌ها در جریان زندگی با والدین، رابطه با خویشاوندان و مشاهده‌ی رفتار خانواده‌ها خود را برای ایفای نقش در نظام اجتماعی خانواده آماده می‌سازند؛
– بزرگ‌ترها در گفت‌وگوهای خود با دیگران و مطالعه‌ی کتاب و مجله در پی آن هستند که زندگی را در خانواده مطبوع‌تر سازند.

بنابراین، می‌توان خانواده را از دو جهت بررسی کرد:

الف – خانواده به عنوان یک گروه؛ یعنی، مجموعه‌ای از افراد که خود را «ما» تلقی می‌کنند و با یکدیگر تعاملی نسبتاً پایدار و منظم دارند؛

ب – خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی؛ یعنی، مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی متقابل به هم پیوسته که برای تحقق بخشیدن به هدفی مشخص با هم بیوند یافته‌اند.

با پذیرش این نکته که خانواده یک نظام اجتماعی است، این پرسش‌ها مطرح می‌شود:

- خانواده از چه نقش‌هایی تشکیل شده است؟
- الگوهای عمل مربوط به هر نقش چیست؟
- رابطه‌ی این الگوهای عمل با یکدیگر چگونه است؟
- نظام اجتماعی خانواده حول کدام ارزش‌ها سازمان می‌یابند؟

مجموعه‌ی نقش زن و شوهری

ابتدا فرض می‌کنیم افراد تشکیل دهنده‌ی خانواده یک زن و مرد بدون فرزند هستند. در چنین حالتی، تنها دو نقش زن و شوهری وجود دارد. هر یک از این نقش‌ها الگوهای عملی دارد و در واقع، آن نقش از آن الگوهای عمل تشکیل شده است.

فعالیت ۲ برای هر یک از نقش‌های زن و شوهری، پنج الگوی عمل بنویسید. برای انجام این کار، می‌توانید کارهایی را که افراد خانواده به عنوان زن یا شوهر انجام می‌دهند، فهرست کنید؛ سپس مشخص کنید که افراد برای انجام دادن کدام یک از این کارها اجبار دارند؛ یعنی، اگر آن اعمال را انجام ندهند، با بی‌مهری اعضای خانواده یا دیگران روبرو می‌شوند، اقوام و آشنايان آن‌ها را سرزنش می‌کنند یا قانون و حکومت آن‌ها را مورد بازخواست قرار می‌دهند؛ برای نمونه:

الگوهای عمل نقش شوهر	میزان اجبار و الزام
- نفقة دادن	اگر شوهری از دادن نفقة به همسرش خودداری کند، مورد بازخواست قانونی قرار می‌گیرد.
- رعایت احترام همسر در مقابل دیگران	اگر شوهری در حضور دیگران به همسرش توهین کند، دیگران او را سرزنش می‌کنند.

مجموعه‌ی نقش پدری—مادری — فرزندی

اکنون فرض کنید که در خانواده به مجموعه‌ی زن و مرد فرد سومی به عنوان فرزند اضافه شود. در این صورت، همراه با افزایش تعداد اعضای خانواده، دو نقش پدری و

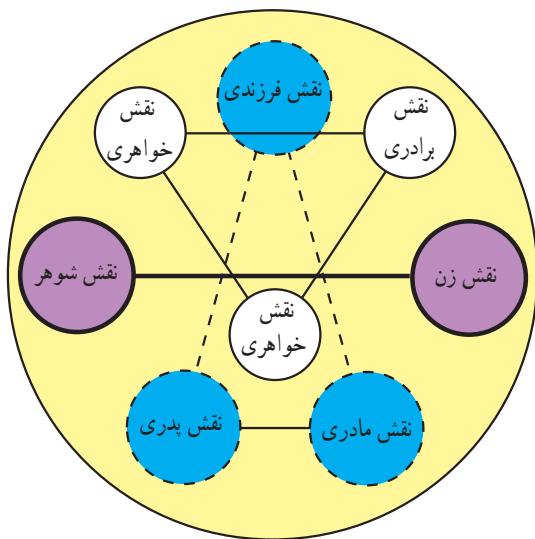


مادری نیز در خانواده مطرح می‌شود؛ بنابراین، در کنار مجموعه‌ی نقش زن و شوهری، مجموعه‌ی نقش پدر - مادر - فرزند نیز شکل می‌گیرد. هر یک از این نقش‌ها نیز الگوهای عمل خاص خود را دارد.

فعالیت ۳-۳ برای هر یک از نقش‌های زیر پنج الگوی عمل

بنویسید:

- ۱- نقش پدری
- ۲- نقش مادری
- ۳- نقش فرزندی.



خانواده به منزله یک نظام اجتماعی

خانواده و نظام اجتماعی کل

هنگامی که خانواده را به عنوان یک نظام اجتماعی در نظر می‌گیریم، لازم است تأثیرات آن را بر بفا و رشد نظام اجتماعی کل و نظام‌های اجتماعی دیگر بررسی کیم. این مطلب را می‌توان با طرح یک پرسش دنبال کرد: جامعه از نبود خانواده چه زیان‌هایی می‌بیند؟

فعالیت ۴ اگر در یک لحظه، همه‌ی افراد جامعه از زندگی در قالب نظام خانواده سر باز زند و نقش‌های زن و شوهری و پدر و مادری خویش را رها کنند، چه وضعی پیش خواهد آمد؟

درباره‌ی نتایج حاصل از این وضع، در کلاس گفت‌وگو کنید.
شما با پاسخ‌گویی به این پرسش، تأثیرات خانواده را بر نظام اجتماعی کل خواهید شناخت؛ تأثیرات و نتایجی مانند اجتماعی کردن فرزندان، مراقبت و نگهداری از کودکان، ناتوانان و سالماندان، تولید نسل و

مثالاً :

— افراد نمی‌توانند مفید باشند؛ مگر این که جامعه‌پذیر شوند و خانواده نخستین زمینه‌ی جامعه‌پذیری است که کار خود را از لحظه‌ی تولد فرد آغاز می‌کند. با وجود این که در جامعه‌های جدید، عواملی غیر از خانواده نقش بسیاری در جامعه‌پذیر کردن افراد دارند ولی خانواده هنوز هم نخستین و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری است.

— افراد به غذا، پناهگاه و مراقبت نیاز دارند و در محیط خانواده این نیازها تأمین می‌شود. به ویژه، اعضای فعال و توانای خانواده از سایر اعضای که به دلیل خردسالی، پیری یا ناتوانی قادر به مراقبت از خود نیستند، مراقبت و نگهداری می‌کنند.

— یک جامعه بدون داشتن نظامی برای جایگزینی اعضای آن جامعه از نسلی به نسل دیگر قادر به ادامه‌ی حیات نیست. خانواده امکانی را فراهم می‌سازد که از طریق آن، این



جایگزینی تحقق یابد.

آثار و نتایج نامناسب خانواده

همان طور که در فصل گذشته اشاره کردیم، هر نظام اجتماعی در کنار تأثیرات مطلوبی که بر نظام اجتماعی کل دارد، ممکن است تأثیرات نامطلوبی هم بر آن بگذارد. نظام خانواده نیز از این امر مستثنی نیست؛ مثلاً:

– خانواده همان طور که بر مراقبت و نگهداری فرزندان و اجتماعی کردن آنها تأثیرات مناسب فراوانی دارد اما گاه به دلیل توجه بیش از حد پدر و مادر، فرزند فردی متکی به غیر بار می آید.

هم چنین ممکن است با تغییر شرایط جامعه، آثار و نتایج مطلوب یک نظام اجتماعی به آثار و نتایجی نامطلوب و نامناسب برای نظام اجتماعی کل تبدیل شود؛ مثلاً:

– تولید مثل که در طول تاریخ یکی از آثار مهم وجود خانواده بر نظام اجتماعی کل بوده است، در شرایطی مانند شرایط امروز جامعه در صورتی که از حد معینی درگذرد، آثار نامطلوبی به دنبال دارد امروز در بعضی جوامع این مسئله به صورت یک مشکل اجتماعی در آمده است.

مشکل رشد سریع جمعیت

برای درک بهتر این مطلب که چرا امروز در بعضی جوامع از جمله جامعه‌ی ما، تولید نسل با گذشتن از حد معینی تأثیرات نامطلوبی به جا می گذارد، لازم است نخست شرایط جامعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن داشتن فرزند زیاد نه تنها برای خانواده و نظام اجتماعی نامطلوب نبوده، موهبتی نیز به حساب می آمده است. سپس بررسی کنیم که چه تغییراتی در این شرایط به وجود آمده و حاصل این تغییرات چه بوده است.

بنابراین، ابتدا زمانی را تصور کنید که:

– بهداشت در سطح پایینی بود و بسیاری از نوزادان در آغاز تولد یا سال‌های اولیه‌ی زندگی بر اثر بیماری‌های مختلف از بین می‌رفتند و در هر خانواده فقط تعداد محدودی از فرزندان باقی می‌ماندند؛

– بیماری‌های مختلف، قحطی، خشک‌سالی و جنگ‌های خانمان‌سوز در کمین

زندگی بشر نشسته بودند؛

– کودکانی که زنده می‌مانند سرمايه شناخته شده، به سرعت وارد بازار کار و تولید می‌شدند. آن‌ها از دوران کودکی به کشاورزی یا کارهای دستی می‌پرداختند و بزرگ‌تر که می‌شدند، با شاگردی در کنار دست استاد کار و کسب تجاربی از بزرگ‌سالان، به عنوان نیروی کار ماهر در اقتصاد خانواده و تولید اقتصادی نقش داشتند؛

– زندگی بسیار ساده بوده و زوج‌های جوان از زندگی مشترک خود انتظارات زیادی نداشتند؛

در چنین شرایطی، رشد جمعیت سریع نبود و داشتن فرزند زیاد، هم برای خانواده و هم برای جامعه موهبتی محسوب می‌شد.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که امروزه چه تغییراتی در این شرایط به وجود آمده است.

ممکن است بگویید:

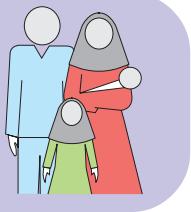
– با رشد علم و صنعت در روزگار جدید و گسترش بهداشت، مرگ نوزادان در سال‌های اولیه‌ی تولد کاهش یافت و جمعیت به سرعت رشد کرد؛

– رشد صنعت همراه با رشد سریع جمعیت، نظام تقسیم کار را در جامعه گرگون کرد. افراد باید سال‌های زیادی را برای یادگیری دانسته‌های جدید در مدارس سپری کنند

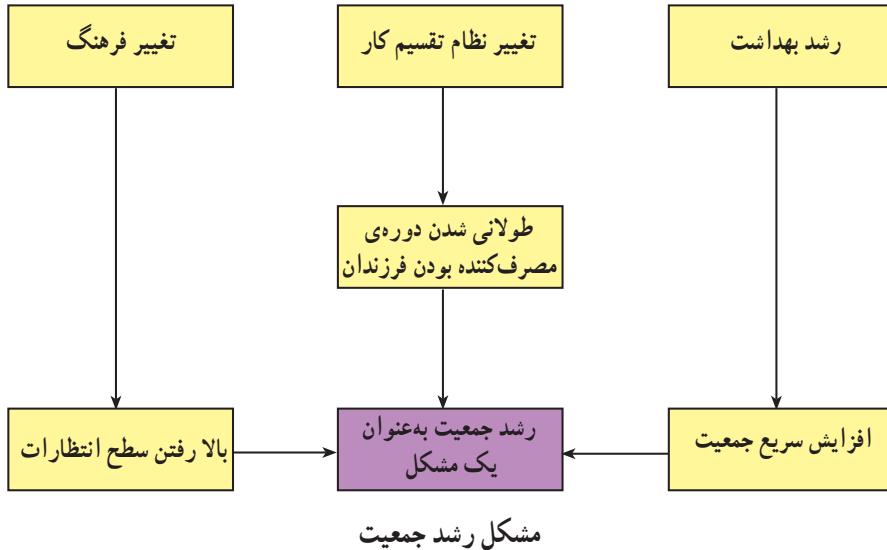
تا بتوانند کارهای تخصصی جدید را بر عهده گیرند؛ بنابراین، فرزندان با سرعت گذشته وارد بازار کار و تولید نمی‌شوند و سال‌ها به عنوان مصرف کننده در خانواده باقی می‌مانند؛

– با تغییر فرهنگ عمومی و گسترش شیوه‌های جدید زندگی، انتظارات و توقعات افراد در مورد شرایط مطلوب زندگی تغییر کرده است. زوج‌های جوان به دنبال مسکن مستقل‌اند و کم‌تر حاضر می‌شوند در کنار خانواده‌های خویش زندگی کنند.

به دنبال این تغییر شرایط، تولید نسل که یکی از آثار و نتایج مهم و ضروری وجود خانواده است با گذشتن از حد معین، تأثیرات نامطلوب خود را بر جوامع آشکار ساخت، به خصوص در بعضی جوامع که رشد بهداشت موجب کاهش مرگ‌ومیر و در نتیجه، رشد جمعیت شد. این



امر در شرایطی به وقوع پیوست که تغییر در سایر بخش‌های نظام اجتماعی به این سرعت نبود و در نتیجه، عدم تعادل در جامعه به وجود آمد.



آثار نامطلوب رشد سریع جمعیت

آثار زیان‌بخش رشد سریع جمعیت در بعضی از کشورها مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد؛ برای نمونه، در اینجا یکی از این آثار را ذکر می‌کنیم و ذکر موارد دیگر را به شما وامی‌گذاریم تا به کمک معلم و با استفاده از مطبوعات و اندیشه‌ی خودتان آن‌ها را فهرست کنید.

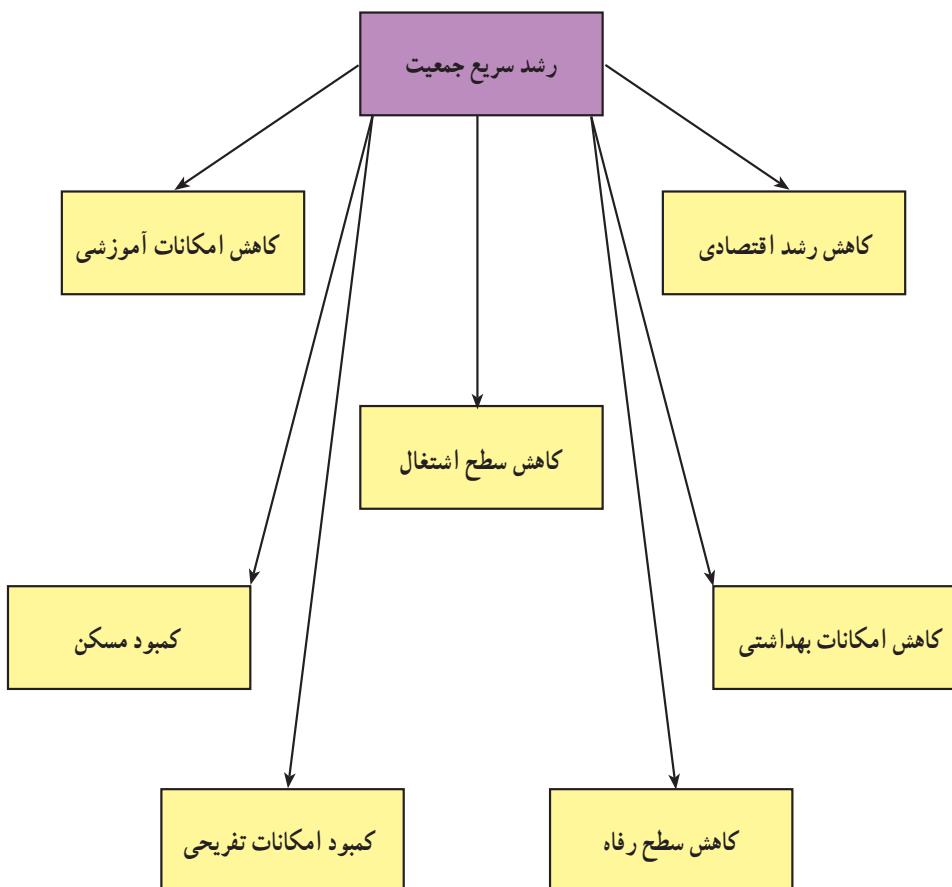
برای کشورهایی با رشد جمعیت بالا، حدود ۴۰ درصد از جمعیت را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند؛ یعنی جمعیتی مصرف کننده که به امکانات آموزشی، تفریحی، بهداشتی و ... نیاز دارد و در مقابل، تولیدی ندارد. در چنین شرایطی، با فرض این که کشور از رشد بالای اقتصادی هم برخوردار باشد، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیاز و مصرف این جمعیت باشد و روزبه‌روز عقب‌مانده‌تر خواهد شد. شاید بگویید چگونه؟

اگر کشوری در سال ۲ درصد رشد اقتصادی و در مقابل ۳ درصد رشد جمعیت داشته باشد، از نظر اقتصادی به شرایطی پایین‌تر از گذشته تنزل خواهد کرد؛ زیرا برای

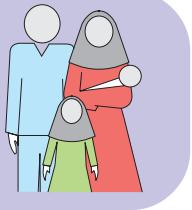
کشورهایی با این میزان رشد جمعیت، امکان سرمایه‌گذاری‌های مهم و تولیدی هم وجود ندارد تا بتوانند همین ۲ درصد رشد را هم داشته باشند؛ چون کشور باید امکانات سرمایه‌ای خود را برای تولید مواد مصرفی این جمعیت انبوه و در حال افزایش صرف کند.

فعالیت ۵-۳ گفت و گو کنید.

چگونه رشد سریع جمعیت می‌تواند بر آموزش و تعداد بی‌سواند، وضع مسکن، مهاجرت، اشتغال، امکانات تفریحی، رفاهی و بهداشتی اثر منفی داشته باشد.



آثار نامطلوب رشد جمعیت



خانواده و فرد

در درس گذشته، تأثیرات خانواده را بر نظام اجتماعی بررسی کردیم. در این درس، به رابطه‌ی خانواده و فرد و تأثیراتی که خانواده بر فرد دارد، می‌پردازیم.

خانواده و شکل‌گیری شخصیت

فعالیت ۶ چهار توانایی خود را در سه مرحله‌ی آغاز تولد، کودکی و زمان

حاضر در زمینه‌های گوناگون مانند اندیشیدن، درک امور، شناخت خوب و بد، داشتن احساسات خاص، انجام کارها و ... را مانند نمونه‌ی زیر با یکدیگر مقایسه کنید و به این پرسش پاسخ دهید:

این توانایی‌ها را از کجا و چگونه کسب کرده‌اید؟

نحوه‌ی کسب توانایی‌ها	زمان حاضر	کودکی	آغاز تولد	نوع توانایی
از طریق رفتار والدین، کارهای گروهی، مدرسه و وسائل ارتباط جمعی	توانایی تفکر امور انتزاعی را دارم.	به امور عینی فکر می‌کرم.	چیزی نمی‌دانستم.	اندیشیدن

شما با انجام دادن فعالیت یاد شده بهتر در می‌بایید که به عنوان یک جوان می‌توانید کارهای زیادی انجام دهید؛ می‌توانید درباره‌ی امور مختلف بیندیشید و اظهارنظر کنید؛ نسبت به امور مختلف احساسات و عواطف خاصی داشته باشید؛ انجام اموری را نادرست و اموری را درست بدانید؛ اگر کار نادرستی انجام می‌دهید، ناراحت شوید و احساس گناه کنید.

شما هم‌چنین با پاسخ‌گویی به پرسش مطرح شده با نقش خانواده در نگهداری و مراقبت از فرزندان و مهم‌تر از آن، با چگونگی اجتماعی کردن آن‌ها آشنا می‌شوید؛

فرد در خانواده متولد می‌شود و والدین یا دیگر اعضای خانواده از او مواظبت

می‌کنند. این کم‌ترین کاری است که هر خانواده در مورد فرزندان خود انجام می‌دهد.
– مهم‌تر این که خانواده بر **شکل‌گیری شخصیت فرد** – به عنوان عضوی از اجتماع،

موجودی متغیر و دارای اراده و شناخت – تأثیر زیادی دارد؛ زیرا :

با رشد جسمانی کودک، روان او نیز در ارتباط با **محیط و انسان‌های دیگر** شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد. خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و والدین و اطرافیان کودک نیز نخستین انسان‌هایی اند که با وی ارتباط برقرار می‌کنند. نوع رفتار آن‌ها در اعمال، اندیشه‌ها و احساسات و به طور کلی شخصیت فرد تأثیرات عمدہ‌ای دارد؛ مثلاً :

– نوع رفتار والدین با کودک

– تعداد افرادی که با کودک رابطه دارند

– فرزند چند خانواده بودن

– نوع رفتار والدین با فرزندان

– نوع رفتار والدین با یکدیگر

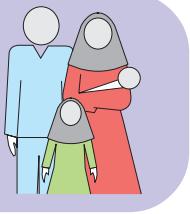
همگی در شخصیت فرد تأثیرات عمدہ‌ای دارند.

– اگر فرد در خانواده‌ای رشد یابد که در آن تصمیم‌گیری در همه‌ی امور به عهده‌ی مرد است، نظر او در مورد موقعیت زن متفاوت است با نظر فردی که در خانواده‌ای بزرگ شده است که در آن والدین به طور مشترک تصمیم‌گیری می‌کنند.

– فردی که در بزرگ‌سالی در تصمیم‌گیری مشکل دارد، می‌تواند ریشه‌های این تردید را در تعارض‌های رفتاری و گفتاری بزرگ‌ترها در دوران کودکی خویش جست‌وجو کند.

– آن چه به عنوان **وجدان** در فرد شکل می‌گیرد و از درون، رفتار او را کنترل می‌کند، عمدتاً حاصل عمل و گفتار والدین و اعضای خانواده در کودکی است.

بنابراین، فرد نه تنها از نظر جسمی مديون خانواده است، مهم‌تر از آن، از نظر روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد.



خانواده و نقش ارشادی و حمایتی

شاید تصور کنید که نقش خانواده محدود به دوره‌ی کودکی فرد است و در اموری که ذکر شد، خلاصه می‌شود ولی با کمی تأمل می‌توانید نقش خانواده را در دوره‌ای که فرد آموزش رسمی را در مدرسه آغاز می‌کند، در دوره‌ی جوانی و سپس در امر ازدواج و تشکیل خانواده و پس از تشکیل خانواده نیز دریابید.

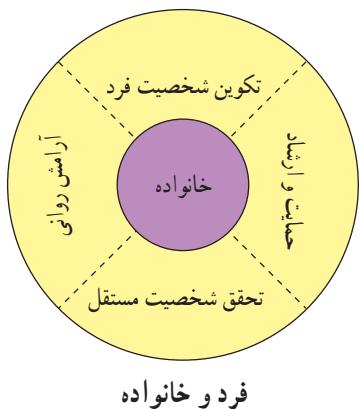
فعالیت ۷-۳ الف – فکر می‌کنید اگر خانواده نباشد، شما در ادامه‌ی تحصیل با چه مشکلاتی روبرو می‌شوید؟ به چهار مورد از نقش‌های ارشادی و حمایتی خانواده خود در این زمینه اشاره کنید.

ب – زندگی یک زوج جوان از خویشاوندان یا آشنایان خود را در نظر بگیرید. چهار مورد از نقش‌های ارشادی و حمایتی خانواده‌های آن‌ها را بنویسید.

خانواده و حمایت عاطفی

انسان به محبت، صمیمیت، عشق و آرامش روانی نیاز دارد و خانواده اولین زمینه‌ی اجتماعی است که این نیازهای عاطفی و اساسی در آن برآورده می‌شود.

فردحتی پس از ازدواج نیز به نحوی دیگر – علاوه بر آن چه گفتیم – مديون خانواده است. با تشکیل خانواده فرد از نظر عاطفی آرامش می‌یابد و از سردرگمی‌ها، خستگی‌ها و تلاطم‌های روانی او کاسته می‌شود؛ تا آن جا که خانه برای وی به صورت مأمنی در می‌آید که پس از فراغت از کار و درگیری‌های روزمره در آن به آسودگی خاطر دست می‌یابد.



خانواده و تحقق شخصیت مستقل

خانه و خانواده‌ی جدید، جایگاهی است که فرد می‌تواند شخصیت مستقل خویش را در آن تحقق بخشد. مرد با کار مستقل در بیرون وزن با کار در منزل یا بیرون از آن و هر دو با تلاش برای تربیت فرزند، شخصیت مستقل خویش را تحقق می‌بخشند و در عین حال،

آینده و زندگی اجتماعی کودک خود را رقم می‌زنند.

از آن چه در درس‌های دوم و سوم گذشت، می‌توان نتیجه گرفت:

اگر چه نقش نظام خانواده در زندگی اجتماعی کم‌تر از گذشته شده است ولی این نقش هم چنان نقشی اساسی و عمدۀ است و برای آن جایگزینی نیافته‌اند. بعضی صاحب‌نظران

برای حذف نظام خانواده طرح‌هایی ارائه دادند و بعضی هم آن‌ها را به اجرا در آوردند ولی همه‌ی این طرح‌ها با شکست روبرو شدند. خانواده به منزله‌ی یک خُردۀ نظام ضروری که

هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین می‌کند، هم چنان به حیات خویش ادامه می‌دهد.^۱

دلیل بقا و پایداری نظام خانواده را در طول تاریخ می‌توان در دو نکته‌ی زیر یافت:

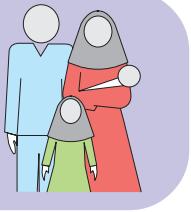
اول – نقش مهم و غیرقابل انکار خانواده در زندگی فرد (که به تفصیل در این درس

بررسی شد)؛

دوم – نقش گسترده و تعیین کننده‌ی خانواده در نظام اجتماعی کل؛ به گونه‌ای که حذف آن، نظام اجتماعی را با هزینه‌های سرسام‌آوری روبرو خواهد کرد.

درباره‌ی این نکته نیز در درس گذشته سخن گفته‌ایم.

۱- برای مثال، می‌توان از کشور سوری (سابق) و رژیم اشغالگر قدس نام برد که برای فروپاشی بنیان خانواده تلاش‌هایی کردند ولی توفیقی به دست نیاورند.



آسیب‌های نظام خانواده (۱)

با وجود اهمیتی که خانواده برای فرد دارد و نیازهای متعدد فرد در خانواده برطرف می‌شود، گاهی خانواده به جای این که محل آمن و آرامش و ارضاي عاطفي و جايگاهي برای تحقق شخصيت مستقل افراد باشد، به جايگاهي برای جدال و دعوا تبديل می‌شود و بهجای اين که برای آنها آثار و نتایج مطلوبی دربرداشته باشد، آثاری مخرب دارد؛ تا آن جا که به جهنمی تبدیل می‌شود که زن و مرد و به تبع آنان فرزندان در آن می‌سوزند. در چنین حالتی، جدایي و طلاق به ظاهر تنها راهی است که مطلوب به نظر می‌رسد.

همچنان، خانواده با همه‌ی آثار مطلوبی که بر فرزندان دارد، گاه برای آنان جايگاه نامناسب و نامطلوبی است به خصوص در سنین نوجوانی که گاه درگیری‌هایی میان فرزندان و والدین ایجاد می‌شود.

– به راستی چرا چنین وضعی پیش می‌آید؟

– چرا بعضی از زن و شوهرها نمی‌توانند با هم زندگی کنند؟

– چرا بعضی از فرزندان از زندگی در خانواده خویش ناخشنودند؟
پاسخ این پرسش‌ها را در همین درس، در بخش‌هایی با عنوانیں «ناسازگاری زن و شوهر در خانواده» و «ناسازگاری فرزندان و والدین» می‌توانید بیابید.

ناسازگاری زن و شوهر در خانواده

اگر پای درد دل همسرانی که با هم اختلاف دارند بنشینند، خواهید دید دلایلی که آنها برای اختلافات خویش ذکر می‌کنند، بی‌شمار است؛ از ندادن نفقة تا عدم توجه به خواسته‌های همسر، طرز رفتار، نوع لباس یوشیدن و

در صورتی که بخواهیم به این دلایل بسنده کنیم، هیچ‌گاه نمی‌توانیم علت یا علل واحد و مشترکی برای اختلاف زن و شوهر بیابیم. به هر حال، در میان همه‌ی دلایلی که برای وجود اختلافات

میان زن و شوهرها مطرح می‌شود، یک وجه مشترک می‌توان یافت و آن برآورده نشدن انتظارات دو طرف است.

– زنی که از شوهرش **انتظار** احترام نسبت به اقوام خود را دارد و او این انتظار را برآورده نساخته (آگاهانه یا ناآگاهانه)، از شوهر خویش ناراضی است.

– مردی که **انتظار** داشته است همسرش غذای مورد علاقه‌ی او را تهیه کند و زن قادر به پختن چنین غذایی نیست، از او ناراضی است.

– زنی که **انتظار** داشته است همسرش شریک زندگی او باشد، در تربیت فرزندان و اداره‌ی کانون خانواده او را صمیمانه یاری کند و نیازهای خانواده را با تلاش و کوشش خود برآورده سازد، می‌بیند که او با گرفتار شدن در دام اعتیاد آتش بر هستی زن و فرزندانش می‌زند و بایی اعتنایی و لاابالی گری، شیرازه‌ی خانواده را از هم می‌پاشد و موجب سرافکندگی و تباہی اعضای خانواده می‌شود و چنین زنی چگونه می‌تواند از همسر خویش راضی و خرسند باشد؟ این فهرست را تا ده‌ها و صدها مورد می‌توانید ادامه دهید.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که این انتظارات چه هستند و چگونه شکل می‌گیرند؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، به مطالب فصل گذشته باز می‌گردیم. گفتیم که هر نقش با مجموعه‌ای از الگوهای عمل مرتبط با آن همراه است. مجموعه‌ای از این الگوهای عمل را فردی که نقش را بر عهده می‌گیرد، تحقیق می‌بخشد و مجموعه‌ای از آن‌ها را دیگران محقق می‌سازند.

با توجه به مفهوم انتظارات، نقش و رابطه‌ی دو جانبه‌ی حق و تکلیف – که در فصل گذشته به آن‌ها اشاره کردیم –، می‌توان گفت انتظارات، الگوهای عملی اند که هر یک از دو طرف، دیگری را موظف به تحقیق آن‌ها می‌داند و در صورتی که طرف مقابل آن‌ها را محقق نسازد، آزردگی و نارضایتی و در نهایت، ناسازگاری و جدایی پیش می‌آید.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا زن و شوهر انتظارات یکدیگر را برآورده نمی‌سازند؟ مگر نه این است که هنگام ازدواج به طور صریح یا ضمنی نقش زن و شوهری و الگوهای عمل آن را پذیرفته‌اند؟ مگر نه این است که دو طرف می‌خواهند زندگی آسوده و راحتی با یکدیگر داشته باشند؟ پس چرا انتظارات یکدیگر را برآورده نمی‌سازند؟



نظام اجتماعی و ناسازگاری زن و شوهر

اگر به یاد داشته باشید پیش از این گفتیم که نظام اجتماعی افراد خود را از راه درونی کردن ارزش‌ها و اعمال مجازات، اجتماعی می‌کند. افراد در جریان اجتماعی شدن، الگوهای عمل مربوط به نقش‌های خود را می‌آموزنند و به تحقق آن‌ها علاقه‌مند می‌شوند، تا آن‌جا که در صورت عمل نکردن به آن‌ها احساس ناراحتی می‌کنند.

با این مقدمه، شما باید بتوانید به پرسشی که پیش از این مطرح شد، پاسخ بدهید.

الف - در صورتی که جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقیق نیابد و افراد از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته باشند یا برای انجام آن‌ها آمادگی لازم را پیدا نکرده باشند، در برآوردن انتظارات یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و به این ترتیب، ناسازگاری پیش خواهد آمد؛ مثلاً در مورد نقش‌های زن و شوهری، در نظر بگیرید :

- مردی که با وجود تلاش برای تهیه‌ی مایحتاج مادی خانواده، به امور تربیتی و روانی فرزندان خود توجه کافی ندارد؛

- زنی که با وجود فدایکاری و تلاش برای اداره‌ی امور منزل، با خویشاوندان همسر خویش برخورد مناسبی ندارد.

هر دو مورد ذکر شده نشان می‌دهد که زن و شوهر حقوق و وظایف نقش‌های زن و شوهری را به طور کامل نیاموخته‌اند.

ب - در صورتی که افراد به گونه‌های مختلف اجتماعی شوند، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر خواهند داشت و این تفاوت انتظارات، موجب اختلاف آن‌ها خواهد شد؛ مثلاً :

- زنی که می‌خواهد در بیرون از منزل کار کند و انتظار دارد همسر آینده‌اش در این زمینه با او همکاری داشته باشد، اگر با مردی ازدواج کند که فقط کار در منزل را وظیفه‌ی زن بداند، ازدواج وی با نارضایتی همراه خواهد بود.

- مردی که دوست دارد تا نیمه‌های شب در بیرون از منزل با دوستان خویش باشد، اگر با زنی ازدواج کند که انتظار دارد همسرش پس از فراغت از کار به منزل بیاید، زندگی مطلوبی خواهد داشت.

فعالیت ۸ - ۳ گفت و گو کنید.

چرا افراد به گونه‌های مختلف اجتماعی می‌شوند و در نتیجه، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر دارند؟

با طبقه‌بندی مواردی که در جریان بحث و گفت‌و‌گوی شما مطرح شد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دو دسته عوامل عمدۀ در تنوع جریان‌های اجتماعی شدن دخالت دارند:

- ۱ - وجود محیط‌های اجتماعی مختلف (مانند شهر و روستا و ...) یا گروه‌های اجتماعی گوناگون (مانند اقوام و اقلیت‌ها) با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و الگوهای عمل متفاوت.

نتیجه‌ی ازدواج میان چنین افرادی، وجود خانواده‌های ناسازگار خواهد بود.

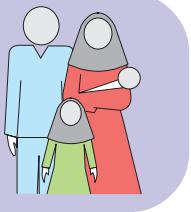
- ۲ - راه‌های مختلف اجتماعی شدن افراد (مانند خانواده، مدرسه، رادیو و تلویزیون، کتاب‌ها و مجلات، مجالس گوناگون و ...) که آن‌ها را در معرض ارزش‌های اجتماعی مختلف قرار می‌دهد. در جامعه‌ای که افراد آن از راه‌های مختلف اجتماعی می‌شوند، ازدواج‌ها ناموفق و طلاق امری شایع خواهد بود.

- پ - هم‌چنین برای یک نظام اجتماعی که در معرض تغییرات سریع است و در هر دوره امور متفاوتی را ارزش‌تلقی می‌کند، تزلزل بنیان خانواده نتیجه‌ای طبیعی خواهد بود؛ برای نمونه، افرادی که ایشار و سادگی و قناعت از ارزش‌های اساسی آنان است، با رواج خودخواهی و فزون طلبی و مصرف زیاد در جامعه، تحت فشار قرار خواهند گرفت و احتمال ناسازگاری میان آنان افزایش خواهد یافت.

با توجه به آن چه گفتم، ریشه‌های ناسازگاری خانواده‌ها را نباید فقط در درون خانواده‌ها جست بلکه باید آن را در ورای خانواده و در نظام اجتماعی کل هم جست و جو کرد. اگر در بی‌یافتن راه حلی برای رفع این ناسازگاری‌ها هستیم، باید آن را در سطح نظام اجتماعی کل جست و جو کنیم.

فعالیت ۹ - ۳ گفت و گو کنید.

- چگونه می‌توان میزان ناسازگاری را در خانواده‌ها کاهش داد؟
- توجه به معیارها و ارزش‌های دینی چگونه می‌تواند موجب کاهش ناسازگاری در خانواده شود؟



آسیب‌های نظام خانواده (۲)

ناسازگاری فرزندان و والدین

اکنون می‌خواهیم به مطلبی پردازیم که شاید دغدغه‌ی ذهن بسیاری از شما هم باشد و آن رابطه‌ی نوجوان و جوان با خانواده است.

در سنین نوجوانی و جوانی گاه میان جوانان و والدین آن‌ها اختلافاتی پیش می‌آید. تجربه‌ی این گونه اختلاف‌ها را شاید خود شما هم داشته باشید. جملاتی چون «پدر و مادر مرا درک نمی‌کنند»، «هنوز مرا جدی نمی‌گیرند»، «با من هنوز رفتاری کودکانه دارند» که گاهی اوقات از نوجوانان و جوانان می‌شنویم و نیز جملاتی مانند «جوانان خودسر و پر توقع‌اند» و «جوانان حقوق ما را نمی‌شناسند» که از والدین شنیده می‌شود، مبین همین واقعیت است. وجه مشترک این اختلافات را نیز می‌توان در مفهوم **تفاوت انتظارات** بیان کرد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چگونه یک نوجوان که تا مدتی پیش تابع نظر والدین خود بوده است و توسط آنان تربیت شده، امروز با آن‌ها اختلاف پیدا کرده است؛ مگر نه این است که در جریان زندگی خانوادگی، ارزش‌های خانواده برای کودک درونی می‌شود؟ پس دلیل این اختلافات و نارضایتی‌ها چیست؟

تفاوت انتظارات والدین و فرزندان از کجا ناشی می‌شود؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش، موارد زیر را بررسی می‌کنیم.

الف – تغییر نقش کودکی به نوجوانی: فرزند یک خانواده را در نظر بگیرید که تاکنون در نقش کودک قرار داشته و الگوهای عمل مربوط به کودکی در مورد وی رعایت می‌شده است. اکنون با توجه به رشد جسمی و ذهنی، در آستانه‌ی پذیرش نقش جوانی و بزرگ‌سالی است که الگوهای عمل خاص خود را دارد.

در بحث اول کتاب به بعضی از خصوصیات دوره‌ی نوجوانی اشاره کردیم.

روان‌شناسان مجموعه‌ی خصوصیات این دوره را با یک اصل توجیه می‌کنند و آن استقلال نوجوان است؛ یعنی نوجوان تلاش می‌کند که مستقل شود. او در حال تغییر نقش از کودکی به بزرگ‌سالی است و همراه با آن می‌خواهد از وابستگی به بزرگ‌ترها و والدین و تعیت از آن‌ها رها شده، به خود متکی شود. او بیشتر در اندیشه، احساس، عمل و در مجموع، درون خود به دنبال مبنای می‌گردد نه در نظرهای والدین و بزرگ‌ترها.

همراه با این خصوصیت، خصیصه‌ی دیگری هم در نوجوان ظاهر می‌شود و آن، گرایش شدید به عضویت در گروه است. این در واقع راهی است که به واسطه‌ی آن، نوجوان استقلال خویش را از خانواده عملی می‌سازد.

عدم توجه والدین و فرزندان به خصوصیات نقش جدید و رعایت نکردن الگوهای مربوط به آن، موجب بروز اختلاف میان فرزندان و والدین و نارضایتی آن‌ها می‌شود.

فعالیت ۱۰—۳ چهار مورد از الگوهای عمل مربوط به کودکی و بزرگ‌سالی را فهرست کرده با یکدیگر مقایسه کنید. آن‌گاه با توجه به تفاوت‌های آن‌ها، موارد اختلاف جوانان و والدین و نارضایتی آنان را از یکدیگر نیز مشخص کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟
ب— گونه‌های مختلف اجتماعی شدن: تفاوتی که میان انتظارات والدین و فرزندان وجود دارد گاه به تفاوت در ارزش‌ها بر می‌گردد که نتیجه‌ی اجتماعی شدن متفاوت آن‌هاست؛ مثلاً:

— بعضی از والدین معتقدند دختر باید زود ازدواج کند اما فرزند آن‌ها اعتقاد دارد که باید پس از اتمام تحصیلات و به دست آوردن موقعیت مناسب، ازدواج کرد.

— بعضی از والدین معتقدند فرزندان باید در انتخاب دوستان خود دقت کافی داشته باشند اما فرزندان آن‌ها به چنین حساسیت‌هایی اعتقاد ندارند.

با توجه به این که اختلافات میان والدین و فرزندان کانون گرم خانواده را به سردی می‌کشاند و مشکلات جدی به وجود می‌آورد، آیا باید برای حل آن‌ها چاره‌ای اندیشید؟

فعالیت ۱۱—۳ پرسش ذکر شده را در کلاس مورد بحث قرار دهید و با کمک معلم و با استفاده از مطالب مطرح شده برای یافتن پاسخ آن تلاش کنید.

پرسش‌های فصل



- ۱- تأثیر خانواده را بر شخصیت فرد بررسی کنید و بگویید که به نظر شما چرا خانواده بیش از عوامل دیگر در تکوین شخصیت فرد تأثیر دارد.
- ۲- چرا می‌گوییم خانواده یک نظام اجتماعی است؟
- ۳- آثار و نتایج نظام خانواده بر نظام اجتماعی کل کدام‌اند؟ هر یک را توضیح دهید.
- ۴- چرا در گذشته، رشد جمعیت همانند امروز یک مشکل اجتماعی نبوده است؟
- ۵- مشکل افزایش جمعیت را با توجه به مسئله‌ی تولید نسل تعزیه و تحلیل کنید.
- ۶- با ذکر مثال، چگونگی تأثیر رفتارهای اجتماعی پدر و مادر را بر جامعه پذیر شدن کودک بررسی کنید.
- ۷- چرا خانواده در همه‌ی زمان‌ها پایدار مانده است؟
- ۸- رابطه‌ی گونه‌های مختلف اجتماعی شدن را با ناسازگاری زوجین بررسی کنید.
- ۹- به نظر شما عدم توجه به چه مسائلی سازگاری را در بین اعضای خانواده کاهش می‌دهد؟
- ۱۰- در دوره‌ی نوجوانی، چه خصوصیاتی در فرد ظاهر می‌شود؟
- ۱۱- فهرستی از اختلافاتی را که احتمال دارد بین فرزندان و والدین به وجود آید، تهیه کنید؛ توضیح دهید که چگونه می‌توان این اختلافات را کاهش داد.
- ۱۲- رشد بی‌رویه‌ی جمعیت از نظر آموزش، بهداشت و مسکن چه مشکلاتی را در جامعه به وجود می‌آورد؟ در این مورد خوب بیندیشید و سپس جدول زیر را کامل کنید.

موارد	نتایج نامطلوب رشد بی‌رویه‌ی جمعیت
نظام آموزشی	
بهداشت	
مسکن	

مروری بر فصل

- ۱- خانواده یک گروه است؛ زیرا افراد آن خود را «ما» می‌دانند و با یکدیگر تعامل نسبتاً پایدار و منظمی دارند.
- ۲- خانواده یک نظام اجتماعی کوچک نیز است که از مجموعه‌ای از نقش‌ها و هنجارهای به هم پیوسته تشکیل شده است.
- ۳- خانواده و نظام‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.
- ۴- خانواده بر نظام اجتماعی کل، تأثیرات و نتایجی مانند اجتماعی کردن فرزندان، مراقبت و نگهداری از کودکان و سالمندان، تولید نسل و ... دارد.
- ۵- تغییرات اجتماعی باعث می‌شود که تولید مثل به عنوان یکی از آثار مهم وجود خانواده در نظام اجتماعی کل، تایای نامطلوبی برای جامعه دربرداشته باشد.
- ۶- آثار زیان‌بخش رشد سریع جمعیت در بعضی از کشورها عبارت‌اند از : کاهش رشد اقتصادی، کاهش امکانات آموزشی، کاهش سطح اشتغال، کاهش سطح رفاه و
- ۷- خانواده در تکوین شخصیت فرد نقشی مهم ایفا می‌کند.
- ۸- نقش اساسی خانواده در تحکیم نظام اجتماعی کل باعث پایداری خانواده در زمان‌های مختلف شده است.
- ۹- در صورتی که جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقق نیابد یا مرد و زن به گونه‌های مختلفی اجتماعی شوند، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر خواهند داشت و این تفاوت انتظارات موجب اختلاف آن‌ها خواهد شد.
- ۱۰- تحولات اجتماعی موجب پیدایش ارزش‌های اجتماعی مختلف می‌شود. تغییر ارزش‌ها در درون خانواده ناسازگاری بین مرد و زن را تشید می‌کند.
- ۱۱- تشابه در شرایط خانوادگی و ارزش‌های مورد قبول افراد، در ایجاد توافق و سازگاری بین مرد و زن در خانواده مؤثر است.
- ۱۲- اگر والدین و فرزندان خانواده با نقش‌ها و وظایف خود در مقابل یکدیگر آشنا باشند، از بروز ناسازگاری جلوگیری می‌کنند.